

گاهی است ( یعنی راهی که آنها پهن گرفته اند منتهی  
بآتش میشود ) ( ۱ ) .

نتیجه : پیروزی پیروان حق و کسانی که سختیهای حمل بار  
سنگین حق را بر خود عوار میسازند حتی و اجتناب ناپذیر  
است اینست معنی وعده " خدا در آیه " فوق و آیات مشابه دیگر .  
در سوره " مجادل " از وعده " فوق تعبیر دیگری شده است آیات ۱۴  
- الی آخرها توجه بمعنی عبارات زیر آیات را خود برادر -  
ان معنی کنند .

مَا لَكُمْ وَلَا مِنْهُمْ <sup>هُم</sup> = نه آنها جزو شمایند و نه جزو ایشان  
( یعنی جزو کسانی که خدا بآنها غضب کرده است ) اتَّخَفُوا  
أَيُّهَا نَهْمُ جَنَّةٍ = سوگند هایشانرا سیر قرار داده اند ( پس در  
برابر آگاهی مردم قهر و خشم مردم . . . . )

---

( ۱ ) - از آیه " فوق کامل " معلوم میشود که شکستهای کفار در  
دنیا بهمن دلیل است که راه آنان رو بآتش جهنم است زیرا  
آیات فوق صحبت از پیروزی و شکست در دنیا میکند و سخن را  
از شکست در دنیا یکباره به افتادن در آتش جهنم میگرداند یعنی  
این دو پدیده جریان واحدی دارند .

كَتَبَ اللّٰهُ لَآغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِي = خدا پیروزی خود و رسولان خود را  
مقرر داشته است . منظور از پیروزی خدا و رسولان همان  
پیروزی حکم خدا و قرار خداست یعنی ( راه تکامل ) این  
قسمت از آیه همان وعده را نشان میدهد . اَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ  
مِّنْهُ . این عبارت معنی «مطلوب روح را رد میکند و شاید  
تأیید خدا توسط روحی از ناحیه خود همان حرکت یک  
جهته و غیر قابل برگشت تکامل باشد که نشان دهنده اراده  
و مشیت و نفیخ ویژه ( دم ویژه ) خدائست ( فعل ماضی  
در اینجا حتمیت و قاطعیت را میسراند ) .

آیاتیکه دلالت بر پیروزی حتمی حق و شکست باطل می  
نمایند در قرآن بسیار زیاد است اما در مطالعه آنها بچند  
نکته باید توجه داشت:  
عموماً  
الفـ پس از ذکر حقیقت فوق دعوت به مطالعه حواث  
تاریخی و نظر عمیق بآنها شروع میشود و منظور جمع بندی  
علمی و بسکار بردن بینش انسانی در مطالعه آثار و حواث  
فوق میباشد چنین آیاتی با خصائصی مانند " اَقْلَمُ يَسِيرًا فِي  
الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ . . . . . شروع و با عباراتی نظیر " اَفَلَا  
تَعْقِلُونَ " " اَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ " و " لَا يَحِطُّهَا اِلَّا الْعَالِمُونَ " (۱)  
( ۱ ) - عالم بان معنی که قبلاً مورد بحث قرار داده ایم .

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» و امثال اینها ختم می گردند . این مضامین همگی، انسان را به فرورفتن خاصی در لاهلای حـ و ادرث تاریخش دعوت میکند و تاریخ را از صورت آلت ثبت وقایع و سرگذشتهای فاتحین و شاهان بصورت وسیله درك حرکت تکاملی جامعهٔ انسانی در میآورد .

ب- آیات دال بر حتمیت پیروزی حـق و شکست باطل، توأم است با ذکر حرکت تکاملی و غیر قابل برگشتنی جهان .  
ج - نقش انسان در تغییر جهان و ساختن تاریخ همواره مورد تأکید قرار گرفته است .

سورهٔ انبیاء آیات ۱۸ - ۱ :

در تفسیر آیات فوق مسائل زیرین را در نظر بگیرید :

۱- سخن از کسانی است که بعلمت ظلم و تعدی و کفر در غفلت بسر میبرند .

۲- احسن شروع سورهٔ قطعیت و طنین آن .

۳- حساب در اینجا کلی است اعم از دنیا و آخرت ( جریان واحدی است نه آنکه جدا از هم باشد ) .

۴- «أَسْرُوا النَّجَسَ» = اشاره است باینکه مغفیانه مردم را بسا عبارات قـل هـذا إلا بـئـر مـلـکـم . . . علیه پیغمبر میشوند

۵- نسبت خواب و رویا به حرفهای پیغمبر دادن .

۶- «أَهْلَ الذِّكْرِ» - یعنی کسانی که از واقعیات درس گرفته

و آنها را یاد آور میشوند .

۷- در باره " وعده قبل " بحث کرده ایم .

۸- پیغمبر انسانی است عادی ولی مستعد که بر او وحی شده است .

۹- آیات ۱۴-۱۱ را با دقت بیشتری مطالعه کنید .

۱۰- شکست باطل و پیروزیهای حق را در نهایت بحسرت تکاملی و یک جهت جهان نسبت میدهد ( این مطلب مهم است ) .

مثال دیگر :

سوره بقره آیات ۲۵۱ - ۲۴۳ :

در تفسیر آیات فوق مسائل زیر را در نظر بگیرید :

۱- در آیات فوق نمونه ای از برخورد حق و باطل را از تاریخ ماضی گذشته شرح میدهد در داستان مزبور طرف حق طالت و طرف باطل جالت است .

۲- قبول ایدئولوژی شهبازات انقلابی در برخورد حق و

باطل ( حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا... )

۳- چگونه مرگ باعث زنده شدن جامعه میشود ( حل تضاد بین حق و باطل ) .

۴- جالب است یاد آور نویسم بعضی مفسرین گذشته به علت عدم درک روح قرآن تعبیرهای عجیب و غریبی از آیه کرده اند

مثلاً گفته اند ماعقبای آمد و مردم را کشت و سپس خدا آنها را زنده کرد تا او را بشناسند . . . !!

در حالیکه آیه ۲۴۵ بافته های مفسرین فوق را پنبه میکند ( وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . . . ) و نشان میدهد

که منظور از آیه ۲۴۴ چیز دیگریست یعنی همان حل وجود حقیق در تضاد حقیق و باطل از طریق قبول شهادت .

۵- سه آیه ۲۴۱ - ۲۴۴ در باره نتایج کتبی داستان است که از آیه ۲۴۶ بیحد میآید . بهر صورت نتیجه همانست که فوقاً بیان شده .

۶- در عصریکه مردم ثروت را ضرورت رهبری میدانستند پیغمبر - ان آن عصر بعلمت دانش و آگاهی و سلامت جسمی به پیغمبری معوت میکردند . ( آیه ۲۴۷ )

۷- تابوت، صندوق و باز مانده ایست از آنچه اصحاب حضرت - موسی و هارون بر جای گذاشته اند . پیغمبر قوم بآنها مژده داد که این تابوت بایشان ( بنی اسرائیل ) باز می گردد و در این نبرد عادلانه جمع ایاری ویژه جهان آنها را خواهند کرد . و گویا این مژده ای باشد

که پس از جنگ بدست گروه مومن مقاومت کننده تحقق یابد  
و اعتماد و قوت قلب قوم را افزوده و بایشان امید دهد .  
این بازمانده در ایام درماندگی بنی اسرائیل از آنها ربوده  
شده بود .

۸- آزمایشهای مختلفی که برای سپاهیان حسق پیشین  
آید و در هر آزمایش عده ای غریبال میشوند و در نهایت  
نخبه ها و کسانی که قدرت تحمل شداید مبارزه در راه حسق  
را دارند در مواضع خشونت استوار میایستند . ( مثلاً نهانان  
میدن آب از رودخانه، خود را نباختن در برابر قدرت  
سپاهیان جالسوت . . . )

۹- نقش انسان در پیشبرد تاریخ در آیه ۲۵۳ و بالاخره  
نتیجه نهائی را بشر زهر بیان میدارد :  
تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَعَينَ الْمُرْسَلِينَ .  
اینست آیات خدا که برای تو بحسب میخوانیم ( یعنی  
بیان واقعیت است ) و البته تو نیز از پیغمبران میباشی  
( یعنی تو نیز باید برسالت خود عمل کنی و با طرفداران  
باطل تا آخرین نفس ستمیز کنی و بدانی که پیروزی نهائی  
با حسق است . )

مثال دیگر :

سوره عنکبوت آیات ۴۴ - ۴۱



وند غالب و حکیم ( ۱ ) است اینها مثالها نیست که برای مردم میزنیم اما جز صاحبان دانش و عالمان کسی آنها را درک نمیکند ( ۲ )

در اینجا پس از ذکر حقایق کلی و عام فوق الذکر علت شکست باطل و پیروزی <sup>اجتناب ناپذیر</sup> حق را بحرکت تکاملی جهان پیوند میدهد و میگوید :

« خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمُؤْمِنِينَ »

شکست آورتر اینکه حرکت تکاملی جهانرا آیه و نشانه ای برای شناخت خدا میدانند که از آن با صیغه مفرد ( آیه ) که نموداری است از یک جریان واحد یاد گردیده است.

مطالعه آیات ماقبل و مابعد را به کتاب چهارم موكول میکنیم .  
مثال دیگر :

( ۱ ) - مظهر حکمت خدا همان حرکت تکاملی جهان هستی است

( ۲ ) - چنانکه خودمان شاهد چنین استنباطات سطحی

در کشور خودمان هستیم ده ای با وجود آنکه شکست امیرالسیحم را در گوشه و کنار جهان میبینند اما باز هم به مهارزه پیروز در ایران افتقادی ندارند چرا که آنان مسلح بسعه بهنر علمی در تحلیل و قایع نیستند .



سوره محمد آیات ۱۲-۱۱:

"کسانیکه آگاهانه بر سر راه خدا ( راه کمال ) مانع می  
تراشند بیهوده تلاش میکنند ( چه اعمال ضد تکاملی آنها  
نهایتاً بجائی نخواهد رسید ) و کسانیکه ایمان آورده و  
اعمال شایسته ( مطابق با شرایط ) بها میآورند و نیز بآنچه  
به محمد نازل گشته است بعلت حقیق بودن نشان ایشان  
آوردند خدا بدیهایشان را زایل کرده و کار و بارشانرا  
اصلاح میکند ( زایل شدن بدیهها در سایه ایمان و عمل  
صالح امریست طبیعی )"

چرا چنین است ؟ چرا تلاش کفار در نهایت بیهوده است ؟ و  
چرا تلاش مؤمنین و عاملین بحقیق بالاخره منتج به نتیجه  
میگردد ؟

" زیرا کسانیکه کفر ورزیده اند پیروی از راه ضد تکامل  
کرده و مؤمنین پیروی از راه حقیق ( همان راه تکامل ) و  
خداوند این چنین برای مردم مثل میزند ( مانند مثل  
هنکوت، مثل جریان آب و جولان کفهای موجود در سطح  
آب، مثل شجره طیبه و شجره خبیثه . . . . . )"

بر اساس چنین واقعیتی است که در آیه بعدی نقلی  
اصلی انسانرا در تکامل اجتماع بیان میکند بعبارت دیگر  
نباید چنین تصور کرد حالا که حقیق پیروز است و باطل ناپود

پس دست روی دست میگذاریم تا این عمل بخودی خود انجام بگیرد . اینجاست که قرآن میگوید :

"در مقابله با کفار باید گردنهایشان زده شود، خونشان جاری گردد، و باقیمانده ها طناب اسارت بر ایشان محکم شود و یکی از دو کار ( در باره اسرای فوق ) انجام گیرد با آنکه در برابر پول یا کالا و خدمتی، اسرا مبارزه شوند و یا آنکه با منت نهادنی بر کفار ( موقعیکه دیگر هرگز نمیتوانند خللی در امر کمال ایجاد کنند ) آزاد شوند پیروزی بر باطل ( آنجا که طرفداران باطل با آگاهی کامل و عناد بر راه خیر ادامه میدهند ) جز از راه جنگ از هیچ راه دیگری امکان ندارد ( تا زمانیکه جنگ ظالمانه وجود دارد تنها راه نفس آن جنگ است اما جنگ عادلانه و انقلابی ) و اگر خدا میخواست ( بروش دیگری ) پیروزی را برای شما مهیا میکرد اما عده های را بدست عده های دیگر می آزمایید ( ۱ ) ( تا تکامل یابید ) و گمانیکه در راه خدا بمرند هرگز اعمالشان تباه نمیشود . ( در اینجا نتایج دنیا را نباید از نتایج آخرت جدا کرد ) پیروی هدا-

---

( ۱ ) - برخورد حقیق و باطل باعث تکامل اجتماع

میکردد .

پیشان کرده و کارهاشان را اصلاح مینماید ( وقت شور که راه اصلاح در عصر غلبه کفر که است : آیا برداختن بکارهای حاشیه ای یا برداختن مانع اصلی راه تکامل ) و شعا را وارد بهشتی میکند که اوصاف آنرا برایتان بیان کرده است. ای کسانی که ایمان آورده اید چنانچه خدا را یاری کنید ( راه تکامل را طی نمائید ) خدا هم شما را یاری میکند و قدمهای شما را استوار میگرداند .

در اینجا قرآن مطابق همان روش خاص خود مطالعه علمی در حوادث تاریخ را پیش میکند . مطالعه تاریخ — آنهاست که بعلمت ظلم و تجاوز مردم و جلوگیری از تکامل آنان سرنگون گشتند و دلیل سرنگونی آنها را هم چنین مفسر ما پند " ذَلِكِ بَآئِ اللّٰهٖ مَوْلٰی . . . . ( ۱ ) این بدان علت است که خداوند سرپرست مؤمنین است اما کفار پشیمان و سرورمنی ندارند .

و پس از ذکر یکی از خصوصیات بارز کفار ( که زندگی آنان جز زندگی حیوانی و چهار پایی نیست ) دوباره حوادث تاریخ

---

( ۱ ) — برای نشان دادن اهمیت نقش انسان در عین اعتقاد راسخ به پیروزی حق و شکست باطل آیات زیر هم مورد توجه قرار گیرند : سوره بقره آیات ۱۵۶ - ۱۵۳ .

گذشتگان را یاد آور میشود .

”وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ... آیه (۱۳) ” ( ترجمه  
بمبده خود برادران ) . ( ۱ )

منطق فوق در کلیه آیاتی که صلحین را بجهاد دعوت میکند  
و یا آنکه نتایج یکی از جنگهای اسلام را برای مردم لغم  
از موافق و مخالف بیان مینماید موج میزند . اینک چند نمونه  
از آیات فوق :

سوره آل عمران آیات ۱۶۰ - ۱۳۷ :

” قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ... ”

شأن نزول آیات فوق جنگ احد میباشد که در ابتدای امر  
صلحین پیروز شدند اما بلافاصله پس از آنکه اندیشه پیشبرد  
حقوق جای خود را بانسگیزه تحصیل غنائم جنگی سپرد و  
آن عده ای که مشغول محافظت یکی از مناطق حساس میدان  
جنگ بودند مواضع خود را بخاطر بچنگ آوردن غنائم جنگی  
ترک گفتند تلفات سنگینی از ناحیه کفار به صلحین رسید —  
منجمله ۷۰ نفر از صلحین کشته شدند . اینک ترجمه و تفسیر  
آیات فوق :

” همانا سنتها و قوانین بر پیشینیان جاری گشت ( برای

( ۱ ) - پس از آنکه آیات فوق را معنی کردید باید باین نکته هم توجه کنید  
که با کمال تأسف آیه ۱۵۶ برای شنونده جسد مرده را متبادر بدین  
میکند .

درک عمیق سنن فوق ( پس در حواش زمین و تاریخ پیشینیان  
سیر نمائید . و آنگاه بنگرید ( نگرش تعقلی نه صوری ) و به  
بینید که فرجام کار تکذیب کنندگان حق بکجا انجامیده  
این ( مطالعه علمی حواش گذشته ) حجت و دلیلی  
است برای مردم و همچنین راهنما و اندرزی است برای  
پرهیزکاران ( از مطالعه تاریخ پیشینیان بر میآید که سد  
کنندگان راه تکامل باید شکست بخورند اما پیروزی حق راهی  
است بر فراز و نشیب نه اینکه خط مستقیم ضعف را بکسب -  
قدرت و پیروزی وصل کند ) پس بنا بر این دست نشوید و  
مهرزون نگردید، چنانچه برستی مؤمن باشید برتری از  
آن شماست ( شکست شما گذراست همچنانکه پیروزی باطل امری  
است گذرا ) اگر چنانکه شما را خسارتی رسیده است دشمن  
را نیز خسارت رسیده و این مراحل است ( شکست بعد از  
پیروزی و پیروزی بعد از شکست اما شکست نهایی از آن ظالمین  
است ( ۱ ) ) که بین مردم میگردانیم تا خدا بداند چه کسانی  
ایمان میآورند و بر میگزینند از شما گواهانی ( با امر حق و  
ضرورت پیروزی آن ) و خدا ظالمین را دوست ندارد ( ۱ ) -

( ۱ ) - وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِیْنَ . همچنین بدیهی است که

گواهی فوق الذکر تا مرز تمامی وجود شخص گواه ( شهید ) -

ارامه دارد .

( نتیجه نهائی شکستها و پیروزی های فوق اینست که : )  
تا خدا مؤمنانرا پاک سازد ( ۱ ) و کفار را نیست و نابود گرداند.  
( شکست و پیروزی يك سهل بسته را تشکیل نمیدهند بلکه،  
جهت گیری تناوب فوق در مجموع بسوی پیروزی حقیق و شکست —  
باطل است، اما این پیروزی باصطلاح مفت و مجانی بدست نمی  
آید ) آیا چنین میندازید که وارد بهشت خواهید شد ؟ ( ۲ )  
در حالیکه هنوز خدا مجاهدین و پایداری کنندگان را معلوم  
نکرده است. همانا شما بودید که قبل از این آرزوی جها ر  
و کشته شدن در راه خدا را میکردید اکنون آنرا دیده و به  
چشم خود بآن نگاه میکنید ( یعنی قبلاً حرف آنرا میزدید اما  
اکنون عملاً با آن مواجه شده اید و بخوبی دانسته اید همین  
حرف و عمل چه شکاف بزرگی وجود دارد که جز با ایمان  
واقعی پر نمیشود و پس از دیدن این صحنه دیگر پس از این  
حرفهای تو خالی و بی پشتوانه نخواهید زد ) ( ۳ ) و محمد  
نیست مگر فرستاده ای که قبل از او نیز فرستادگانی بود و  
در گذشته پس آیا اگر محمد بعیر و یا کشته شود راه ارتجاع

( ۱ ) — انسانهای متکامل از تلاطم تضادها برمیخیزند ( از درون

شکست و پیروزی ) .

( ۲ ) — این آیه بهترین نمونه ایست برای نشان دادن این حقیقت

که آخرت در نباله دنیا است.

( ۳ ) — البته اینهم خودش پیشرفت بزرگیست . بحث سهل و متنع  
پار آوری شود .

برگشت بگذشته را پینر خواعید گرفت و آنکه عقب گرد کند  
و راه ارتجاع را پیرگیرد هرگز زبانی بخدا نرساند . ( ۱ )  
( جبری بودن پیروزی حق ) و بزودی خداوند به شکرگذاران  
جزا خواهد داد . ( شکر یعنی بهره برداری از مواهب  
طبیعی در راه تکامل ) هیچکس نمی میرد جز باذن خدا و  
مطابق قانون معینتی که بدست خداست ( پس فرار شما از میدان  
نیبرد شما را از مرگ نجات نخواهد داد چه مرگ قانونی  
است پولادین که گریبان همه را خواهد گرفت ) ( ۲ ) هر کس  
هدف بارزه را خالی کرده بدنبال زندگی دنیا برود، بهره ای از  
دنیا را باو میدهیم و هر کس ( در راه خدا جهاد کند ) بهره  
آخرت و نهائی را طلب کند از آن باو میدهیم اما جزای شکر  
گذاران را بزودی خواهیم داد . ( در اینجا قرآن نمونه ای  
از فداکاری انبیا و مؤمنین سلف را یاد آور میشود که چگونه  
تاریخ را حرکت داده و با اینجا رسانده اند و شما نیز بایستد  
آنرا ادامه دهید . )

( ۱ ) - روی کلمه " لن " = هرگز، تکبیه شود .

( ۲ ) - آیه تَكُونُوا يَدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ

مَشِيدَةٌ . . . . . سوره نساء آیه ۷۸ .

و چه بیایم پیا بر آنی که پروردگار پرستان ( اصحاب تکامل ) به  
پهروی از آنان در راه خدا پیکار کردند . پس بعد از شدایدی که  
در راه خدا بدانها رسید نه سمت شدند و نه ناتوان  
گشتند و نه ذلت و سرافکندگی را پذیرفتند و خدا پایداری  
کنندگان را دوست دارد ( یعنی راه تکامل بیایداری پابردان  
پهسوده میشود نه بسکوت است عنصران و صوفی نشان و —  
امثالشان ) گفتار و کلام پیکارگران خدا پرست فوق الذکر نبود  
جز اینکه پروردگار ما ببخشد بر ما گناهان و اشتباهاتمان را و  
زیاده روی در کارمانرا و استوار بدار قدم ما را و بر طبقه  
ستگار حق بودن پیروزمان ده . ( آنها دست روی دست —  
نگذاشته و از خدا پیروزی حاضر و آماده را نمیخواستند بلکه  
بر اساس تصحیح اشتباهات خویش پایداری و پیروزی بر کفار را  
طلب میکردند . بنا بعلل فوق بود که : )

" پس خدا بهره دنیا و بهره نیکوترین آخرت را بآنها  
داد . ( ۱ ) چه خدا نیکوکاران را دوست دارد . ( نیکوکاران —  
پیروزند ) ای کسانی که ایمان آورده اید اگر اطاعت کفار را

---

( ۱ ) — از این دیدگاه بهره حقیقی دنیا مضمّن بهره نیکو  
تر آخرت نیز هست . اینجاست که میبینیم یکی از انقلابیون  
بزرگ معاصر تصریح دارد که " پیشرفت اقتصادی امری است غیر  
اقتصادی یعنی این پیشرفت نباید در چهارچوب ارضای نفسانی محدود  
بماند .



گردن نهید شما را بعقب برخوابند گردانند ( ارتجاع ) و آن گاه جزو زیانکاران خواهید شد ( یا مرگ یا پیروزی ) ( تصورات باطل را بدور افکنید ) آری خدا سرپرست شماست و او بهترین یاری کنندگان است. ( پیروزی نهائی از آن حق است شکست شما امریست گذرا ) و پیروی در دل کفار بعلمت شریک قرار دادنشان و اتکاء کردن نشان به نیروهای غیرخدائی هر اس خواهدیم افکند چه شریکانی که قرار دادانند خداوند قدرتی بآنها نداده است جایگاه کفار آتش است ( کفار بسوی انحطاط میروند که در نهایت بآتش <sup>جهنم</sup> میروند ) و جایگاه ستمکاران چه جایگاه بدی است. آنگاه که شما کفار را باذن خدا از پای در میآوردید خداوند به وعده خود وفا مینمود ( وفا کردن خدا بعهده خود چگونه انجام میگیرد ) تا وقتی که از هم گسیختید و در مورد کارزار ( فی الامر ) در راه خدا با هم اختلاف پیدا کردید و همینکه — طلایه پیروزی و آنچه را دوست داشتید بشما نشان داد نافرمانی کرده ( بدنیال کسب غنائم مواضع خود را ترك کردید پس پیرو — ندی و برتری شما را نسبت بکفار از بین برد، و شکست خورد و فرار کردید ) گروهی از شما خواهان دنیا بود و گروهی دیگر آخرت را اراده میکنند آنگاه خدا شما را ( بواسطه غنائمی که دوست میداشتید ) از دشمنان صرف ساخت که دیگر نتوانستید بر او چیره شوید و این آزمایشی شد برای درك حقیقت و به

جاست که علت شکست خود را دریابید و همانند خداپرستان  
گذشته شکست را نتیجه اشتباهات خود بدانید و آنرا  
تصحیح کرده و از خدا آمرزش بخواهید ( و بتحقیق خدا شما  
را بخنید ) چرا که اشتباه خود را دریافته و از کرده خدای  
خود پشیمان شدید ( آنگاه که روی برتافته و فرار میکردید و  
( از دست و پاچگی و از شدت ترس ) بکس توجه نمیکردید و  
بپامبر همچنان از پشت سرتان نگاه در میدان پس ( بر این اساس  
و در مقابل ) خدا اندوهی بر اندوههایتان افزود ( ۱ )  
( آنهمه یاران و امکاناتی که از دست رفت ) تا دیگر بر آنچه  
که از دست میدید و آنچه که شما سرمد غمگین نشوید ( و  
این اشتباه را تکرار نکنید ) و خدا بآنچه میکنید آگاه است .  
پس از آنکه هول و هراس جنگ فرونشست و آرامش جای وحشت  
را فراگرفت ( و اندوه سینه‌ها را از آنچه گذشته مالا مال -  
نموده بود ) خداوند خواب لطیفی بر گروهی از مؤمنین  
چیره کرد ( و اطمینان بقلب آنها بازگشت ) آنگاه گروهی که  
دریند خود بودند ( و نظر بخصوصیات درونیشان هنوز از  
هراس جنگ اطمینان نیافته و نخفته بودند ) اسیر گمان و وهم

---

( ۱ ) - غم، پشیمانی نمودار ایمان مؤمنین بود که به علت عدم  
استحکام کافی بطور موقت در برابر شکست دچار دست -  
پاچگی گردیده بودند .

هائی نسبت بخدا شدند که ضحاک آن تصورات دوران جاهلیت بود (و عدم وجود بینش صحیحی که بکث روشنائی حاصله از آن قادر به تحلیل صحیح وقایع جنگ بشوند و نتایج صحیح از آن برگزینند بنا براین شروع به نتیجه گیریهای جاهلانه کرده) میگفتند:

آیا ما کاره ای هستیم؟ (کارمان بجایی میرسد؟) بگو تعالی کار بد ستا خدا است.

البته در قلبهای آنها چیز دیگری جریان داشت که بر تو آشکار نمیگردند (تنها حواشی بود که میتوانست آن چه در دلشان بود آشکار کند چه حواشی بهترین وسیله آزمایش افراد است و بخوبی میتواند بهانه ها را که ناشی از جهل و بی ایمانی است بر ملا سازد). (۱)

"اینان میگفتند: اگر کار بد ستا ما میبود در اینجا کشته نمیشدیم." (دلایلشان<sup>هم</sup> این بود که عدای از آنان بدون آن که خواسته باشند، کشته شدند و لذا آنان را بی اراده و بدون اختیار و بدون مشورت با خودشان باین بلا رانده اند). قرآن جواب داند ان شکسی باین بهانه تراشان و کج اندیشان میدهد که امور کل بدست خداست و نه بدست ایشان یا کسی دیگر، بدین معنی که آنها در مقام مشورت بمقدم

(۱) - سوره قیامت تا آیه ۱۵.

درگیری با دشمن را می‌دیدند ( ۱ ) و آن را می‌نه از پیش  
صحیح و آگاهی آنان به شرایط حاکم بلکه از سستیها و  
ناخالصی های شیطانی شان - شیطانی درونیشان - ناشی  
میشد، شکست شما در جنگ مزبور دلائل دیگری داشت -  
در آیات قبلی این علتها روشن شد و آن عده ای هم که  
از بین رفتند نه صرفاً "باین دلیل بود که در جنگ شرکت  
کردند .

" بگو اگر در خانه های خود<sup>هم</sup> بودید آنان که کشته  
شدن بر ایشان مقرر شده بخوابگاه ( قتلگاه ) خود در می  
آمدند " ( زیرا کسی را از مرگ گریزی نیست ) ( ۲ ) .

قرآن از قتلگاه و قبر - آراگاه و بستر تعبیر کرده است و این  
نشان دهنده " طبیعی بودن مرگ انسان است . مگر تنها کسانی  
می میرند که مبارزه میکنند ؟ هرگز چنین نیست . . . . .  
آیات بعدی هم در تائید و تشریح بیشتر مطالب فوق

---

سوره " ان عمران

( ۱ ) - از آیه " ۵۹ نیز استنباط میشود که مشورت اساس -  
تصمیمهای پیخبر بوده است .

( ۲ ) - وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ . انبیا " آیه " ۳۴ و ۳۵  
" برای هیچ بشری قبل از تو زندگی جاودانی در نیائی قرار ندادیم .  
آنها میشود که تو بصیری و آنان نمیرند . مرگ را هرگان خواهند  
چشید و در گوردار ابتلائات خوب و بد شما را می آزمائیم و در  
نهایت حرکت همگی بسوی ما ست . "

است تا اینکه پس از ذکر اخلاق و صفات عالی پیغمبر که  
 سزاوار یک رهبری انسانی عالی است صحبت از توکل یعنی  
 اطمینان صد درصد به پیروزی حق میشود . و صریحاً می-  
 گوید که مسلمین باید نقشه های گلی خورد را با در نظر  
 گرفتن حقیقت فوق طرح ریزی کنند . " فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلٰی  
 اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِینَ . پس وقتی که اراده حرکت  
 در راه حق کردی پس خدا را توکل کن چه خدا توکل کنند -  
 گان را دوست دارد ."

و بالاخره نتیجه نهائی را از نقل و تحلیل وقایع جنگ با  
 آیه زهر بیان میکند :

" اِنَّ یَنْهٰرَکُمْ اللّٰهُ فَلَا غٰلِبَ لَکُمْ وَاِنْ یَخٰذَ لَکُمْ فَمَنْ  
 ذَا الَّذِیْ یَنْصُرُکُمْ مِنْۢ بَعْدِهِ وَاَعْلٰی اللّٰهِ فَلِیَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ  
 (۱۶۰) ."

اگر خدا شما را یاری کند پس هیچ نیروی نمیتواند شما چیره  
 شود و اگر خوارتان سازد غیر از او چه کسی میتواند شما  
 را پیروز گرداند ( پس حال که چنین است ) ( ۱ ) مؤمنان  
 باید بخدا توکل کنند و تنها او را پشتیبان خود بدانند .  
 البته مسلم است که در صورت اتکا بخدا و جلب پشتیبانی

---

( ۱ ) - " پس حال که چنین است " از فاء سببیه در میآید .

او که در عمل بحواسته های خدائی خلاصه میشود جمع  
مؤمنان شکست پذیر میگردد . چرا که تکیه بر خدا  
در حد فاطع و دائما " انقلابی صائد موجود تجسم مییابد .  
( ۱ ) از این دیدگاه تمامی اقدامات طبقه " ضد انقلاب در نظر  
قرآن علیهم هیبت و جبروت کاذبش چون " فوتی " است که  
برای " خاموش " نمودن قرص آفتاب نهروز از دهانهای " ضعیفی  
بر خیزد .

### سوره نوبه آیات ۳۲ و ۳۳ :

۳۳ اراده میکنند که نور خدا را بدهنهایشان خاموش کنند  
و ابا دارد خدا ( معالست که چنین کاری بشود ) چرا که  
( میخواستند ) نور خود را تمام کنند ( بمقتد معینی برسانند )  
ولو که کافران ( از این امر ) کراهت داشته باشند ( و بانها  
طریق علیه آن اقدام کنند ) او خدائی است که پیامبرش  
را با دین حق و هدایت برای مردم فرستاد تا آنها  
بر تمامی دیگر روشها و خط مشی ها چیره گردانند ولو که  
( از غالب شدن حق ) کافران کراهت داشته باشند . . . .  
این درنده خویان ابلهانه با نوری خاموش ناپذیر که از دل  
هرزه بر میخیزد و حرکات جهان بالتام ابراز وجود آنست  
در افتاد ماند .

---

( ۱ ) - یکی از انقلابیون معاصر میگوید : " برای آنکه در سیاست  
شکست نخوریم باید انقلابی باشیم نه اصلاح طلب . "

در این میان حقیقت پیر شکوه دیگری مشهود است که چون  
تابش آفتاب در رخشان چشم هر "صاحب چشمی" را خیره می-  
سازد چگونه قرآن باین ترتیب ادای طلب میکند؟ آیا بدون  
درک حرکت تکاملی یک جهت جهان و بدون اینکه قرآن  
از جانب ذات بینهایتی بیان شده باشد چنین چیزی امکان  
دارد؟

اینان نمیدانند که <sup>هر</sup> پیرنگها و تدابیرشان در نزد خداست و  
ایشان را هیچ راه گریزی از نزد او و سلطه "قوانینش نیست".  
سوره ابراهیم آیات ۴۷-۴۴ :

"..... هشدار ده مردم را از زمانیکه عذاب فرا گیرد  
شان پس آنانکه ستم کردند ( از شدت عذاب ) گویند :  
پروردگارا ما را تا سرآمد نزدیکی بتا "خیر بینداز ( کوی ما را  
مهلت بده تا ) بپذیریم دعوتت را ( براهت گردن نهیم )  
و پیامبران را اطاعت کنیم....."

چنین گونه فکری اثباتی سلك تنها هنگامی بخود  
میآیند که در آستانه " فنا و زوالند . لیکن بایشان گفته شود  
( بطور طبیعی ) "..... آیا شما نبودید که قسم می-  
خوردید که بر شما زوال و شکستی نیست؟"

( بیاد آورید که چگونه هیبت ظاهری قوا و تشکیلاتشان شمارا  
از یاد حقیقت غافل کرده بود ) .

حال اینکه بجای کسانی که بر خود ستم رانده بودند آرمدیدید  
( ستم بخلق در واقع همان ستم بخود و فریبکاری با خویشتن  
است ) و آشکار شد ( برایشان مسلّم شده بود ) که بآنها  
( تجاوز کاران و طبقات ارتجاعی و پوسیده ) چه کردیم  
( و چگونه از اریکه قدرت بنیز افتادند ) و برای شما مثال  
ها زدیم ( آنها وقایع تاریخ و شرح حال جباران و عاقبت  
آنها و ملاحظین و سلسله های متتار بهترین نمونه برای  
استنباط مطلب و درك حقیقت بود )<sup>۱</sup>

با اینهمه سدکنندگان را متکا مل عبرت نمیگیرند و همچنان  
مغرور بقدرت کاذب و تکلیک خود هر وسیله ای را علیه راه  
کمال بکار میاندازند . اینجا قرآن عظمت کلاشرا باوج  
میرساند :

«مانا مکر کردند ( انواع حیلله گری و چاره اندیشی و  
مدد گرفتن از تکلیک پیچیده و سلاحهای مختلف . . . . . )  
ولس مکر ایشان نژد خداست ( حتی عطا کرد مکر ایشان برقی  
توانین  
اوست ازین نظر مطلقا در احاطه سلطه و قاهریت کامل  
اویند ) هر چند و هر چند هم که مکر ایشان ( آنقدر  
قوی باشد ) که کوهها را از جای برکنند .»

براستی در این آستان مهیب ترسین سلاحهای همه  
ای را چه منزلتی است؟ ( ۱ ) .



سپس قرآن یادآور میشود که برتریهای زودگذر مکاران در صفت تاریخ نباید ضعف ماضی آنها را از خاطره ها دور دارد .  
"پس گمان نکن خدا را که وعده خود به فرستادگان را خلاف کند ( قبلاً کلمه " وعده معنی شد ) همانا خدا غالب شونده و -  
انتقام گیرنده است . و باین ترتیب بر پهنانی ناجوانمردان غرقه در دروغ الی الابد مهر ابطال میخورد . چرا چنین است ؟  
در همین سوره ابراهیم قرآن خود مسئله را روشن میکند :

آیات ۲۷ - ۲۴ :

"آیا ندیدی که خدا کلمه ( ایده و بیان کننده واقعیت عینی )  
پاک همانند درختی پاک مثل زر که ریشه اثبات و پایرجاست  
( پاوقی از صفحه قبل )

( ۱ ) - خبرنگار مجله "آمریکائی آنائز استرانک" در سال ۱۹۴۶ ص ۱  
صاحبه ای از مائوتسه تونگ میگوید : " . . . ولسی چه خواهد  
شد اگر امریکا بمب اتمی استعمال کند . . . " مائو پاسخ میدهد .  
" بمب اتمی ببری کغذی است که مرتجعین امریکائی برای ارباب  
انسانها از آن استفاده میکنند . بمب اتمی بظاهر ترسناک به  
نظر میرسد ولی در واقع چنین نیست . البته بمب اتمی یک اسلحه  
کشتار جمعی است . ولسی این خلق است که فرجام جنگ  
را معین میکند نه یک یا دو سلاح نوین . تمام مرتجعین  
ببر کغذی هستند . مرتجعین بظاهر ترسناک بنظر میآیند ولی  
در واقع معینان نیرومند نیستند . . . . . "

و فروع آن در آسمان شاخ و برگ کشیده و پیوسته در گاه خود  
( موجد مقررش ) با اجازه پروردگارش ( پس از رعایت قوانین خدا )  
خوراکی و ثمره خود را می‌دهد . و خدا مثلهاش میزند  
تا شاید مردم پند گیرند ( یاد آور حقیقت منظر از مثال بشوند )  
این پند گیری تذکار همان قرار و مشی استوار و غیر قابل تخلف -  
خلقت است که بر طبق آن پیوسته درخت پاک آرمانهای حقیقی  
پس از پی گیری کشت کاران آن و پیمودن تغییرات کمی لازم شر

می‌دهد و بشریت را از میوه خود بهره مند میکند .  
اما هوسهای شوم خدایان چگونه؟ در این جهان هر  
روز عرصه پلیدی تنگ تر میشود و باز تاب شعله نزار آن  
در محاسن دائم محسوس میگردد . آری ناپاکی و پستی ریشه ای  
در این آفرینش ندارد که استوار بماند . همانند کلمه -  
پلیدی درخت شومی است که از زمین ریشه کن شده باشد ( و  
اینست که آنرا قرار ) ، ( استواری و  
ثباتی ) نیست . بر اساسی دیگر برای کشت کاران حقیقت چه  
جای درنگ است ؟

خداوند ( بعد از کلمه قوانین و نظامات هستی )  
کسانرا که بگفتار استوار و ثابت که در متن هستی ریشه  
دارد یعنی راه تکامل) گردیده اند، در دنیا و در آخرت  
تا بهید و تثبیت میکند و گمراه میکند متعکبان را و خدا هر کار

بخش خواهد میکند ( لایثاً ) . با آنچه گذشت معنی خواست  
خدا تیز روشن شد . خواستی که با ریشه های ثابت آفرینش -  
انطباق مطلق دارد .

قرآن مطلقاً از اینگونه تعابیر عینی است و هر بار بنحوی  
انگیزند و در طی امثله تاریخی ابطال باطل را سبب  
میسازد . باز هم برای توضیح بیشتر آیات نمونه زیر  
مراجعه کنید :

### سوره حشر آیات ۱-۴ :

سوره روم آیه ۴۷ : ( ترجمه بعهده خود برادران )

سوره فاطر آیه ۱۰ : مگر زشتکاران را اکتفا " تباہ " و بیپسوده  
میدانند .

در آیه ۴۳ همین سوره تعبیر فوق العاده عجیبی موجود است :

" برتری میجویند در زمین ( خود را طبقه ای فوق دیگران

قرار میدهند ) و بزشتی نبرنگ میکنند . لیکن مگر زشت جز

باهلش نمیرسد ( در آخرین تحلیل، جنگ افروزی و خانمانسوزی

جهانخواران سبب تضعیف خودشان میشود ( ۱ ) ) و آیا جز

سنت پیشینیان ( منطق بتجربه رسیده تاریخ ) را انتظار

دارند ( پیروزی آنها محال است ) بنابراین هرگز سنت -

( ۱ ) - با اشاره مائوتسه دون . سنگی را که بلند کرده اند

روی پای خودشان خواهد افتاد .

خدا را در گون و تبدیل یافته نخواهی یافت و هرگز در سنت -  
خدا بازگشتی نخواهد بود . ( سنت غیر قابل تغییر و خدشه  
ناپذیر ) .

براستی اینگونه تعبیر پر امید و واقعی از کدام منبع سر میزند ؟  
کدام مرجعی است که با چنین آگاهی از خلقت و جهان  
سخن میراند . کدام بیان برنده تر و انگیزنده تر از اینست که  
" جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا " .

" حق آمد و باطل رفت چه باطل اساساً رفتنی است ( ۱ ) .  
اسراء - ۸۱ "

ملاحظه میشود که حقیقت عامی که بحث ما بر سر آن بود  
( حتمیت پیروزی حق و شکست باطل ) چگونه در سراسر آیات -  
قرآن موج میزند . بدون آشنایی با فرهنگ انقلاهی عصر  
حاضر درك عظمت قرآن هیچ ممکن نیست . در اینجا حتماً  
کتاب زهر را بخوانید :

۱- کتابچه " سرخ مائو ۲ - امپریالیسم و کلیه " مرتجعین تاریخ  
بیر کفندی هستند . ۳- دو نوع همزیستی صالمت آمیز بگلی  
متضاد . و همچنین برای آشنایی بیشتر با قرآن در این  
سوار و شناسایی تفکرات نخبه پیروان آن و نحوه استنفاطشان  
از قرآن ، مراجعات زهر را حتماً بخوانید . ۱- سوره نسا -

( ۱ ) - استعمال صیغه " ماضی " دلالت بر قطعیت و حتمیت دارد .

- ۲- نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام جلد پنجم صفحه ۹۸۸ خطبه ۵۳ ابتدای فرمان حضرت علی به مالک اشتر
- ۳- نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام جلد اول صفحه ۶۲ خطبه ۱۱ کلام حضرت علی به فرزند شردر جنگ جمل .

## نتیجه

در فصلی که گذشت مختصراً با قرآن آشنا شدیم. البته این آشنائی گذشته از نقل ترجمه و تفسیر، به چند عنوان کلی "قرآن و ... محدود بود."

بخطرات آریم که مراجعه به قرآن از نظر تحقیق در مسئله وحی بود.

گفتیم که سلسله ای بنام انبیا دعوی طهیم شدن از منبع فوق مادی نموده اند. البته در کتاب راه طی شده دیدیم که رسولان<sup>الهی</sup> پیوسته در ادوار تاریک گذشته مشعلدار انقلاب و آزادی بوده اند و خلاصه هیچ لکه آلودگی و دروغ و — منفعت جوئی بایشان نمیچسبیده با اینهمه عظمت ادعای آنها و ارمان نمود که پیرامون آن تحقیق دقیق بعمل آوریم. اساس این تحقیق پاسخ گفتن باین مسئله بود که آیا بشر در هر قدمی که بر میدارد به مکتب انبیا دور میشود یا نزدیک؟

و گفته بودیم ( صفحه ۲ کتاب سوم ) :

در صورتیکه مطالعه و تحقیق ما را به نتیجه اول برساند

دلیل بر اینست که انبیا بر خلاف ادعای خودشان تفاوت —

چندانسی با افراد معمولی (از نظر درک مسائل عمومی

خلقت در فکر و عمل) نداشته اند، نهایت آنکه از مردان بزرگ

عصر خود بوده اند ( اما در هر حال از وحی خبری